

آسیاب‌های کمره

و پیشینه آسیابهای آبی در ایران

رضا سرافرازی[‡]

«چکیده»

در بخش نخست این مقاله به پیشینه آسیابهای آبی و انواع آن در مناطق پرآب و کم آب ایران پرداخته شده و آمار این آسیابها را به شکل تخمینی بدست می‌دهد. جالب ترین مطلب این بخش معرفی یک آسیاب خودکار آبی - بدون استفاده از نیروی پتانسیل آب جاری - در مرند آذربایجان است که از قول دمشقی (۶۵۴-۷۲۷ ق) نقل شده است .

دمشقی خود این آسیاب را در مرند دیده و از آن طرحی در کتاب «*نخبة الدهرفی عجائب البر والبحر*» آورده است.

در بخش دوم که کاری میدانی است ، آمار آسیابهای منطقه باشیوه کار و انواع آنها بدست داده شده و بازتاب - آسیاب را در فرهنگ منطقه پی گرفته است و اجزاء آسیاب تعریف و توضیح داده شده است.

گفتنی است که تا حد اطلاع ما، این گفتار نخستین مقاله مستقل در باره آسیابهای ایران می‌باشد.

پیشینه آسیاب‌ها در ایران

فنون و صنایع سنتی چون دیگر مظاهر تمدن باستان، بخوبی پاسخگوی نیازهای زمان خود بوده است. اختراع آسیاب‌های آبی برآستی (مصدق ضرب‌المثل) هنر از آب کره گرفتن است. و این خود میتواند دلیل روشن اندیشی صنعتگران آن عهد، بویژه ایرانیان باشد.

ظهور آسیاب‌های آبی نظیر غالب ابداعات بشر بعنوان یکی از نکات تاریک تاریخ بوده و ذهن محققین بسیاری را در چگونگی زمان و مکان دقیق پیدایش آن به خود، مشغول داشته است.

اختراع آسیابهای آبی را برخی از محققان در ایتالیا بیش از ۲۳ پ.م و آسیابهای بادی را در ایران بیش از ۹۱۵ م. و در فرانسه ۱۲۰۰ م. می‌دانند (ناظری، ۱۳۶۸، ص ۷۲). اما خانم، زیگرید هونکه، در بخشی از کتاب خود "فرهنگ اسلام در اروپا" که اشاره‌ای هم به استفاده‌های متعدد از انرژی آبی دارد، نظر کاملاً متفاوتی را ارائه می‌کند، او می‌نویسد: "آسیاب‌سازی یک تخصصی است که از کشورهای اسلامی آمده است و انواع و اقسام آن را مانند آسیاب دستی و قابل حمل، آب آس و باد آس را اختراع کرده و به اروپا داده‌اند." (هونکه، ۱۳۶۰، ص ۷۲)

در هر حال جای تردید نیست که استفاده از انرژی پتانسیل آب در اشکال مختلف آن از قدیم‌الایام معمول بوده و هرکدام از این ماشینها، بویژه "آسیابهای آبی" را باید صورت تکامل یافته ماشینهای ساده دانست (فرشاد، ۱۳۶۶ ص ۷۴۴). این کارخانه‌های کوچک آبی توأم با ازدیاد جمعیت و نیز بروز جنگهای خانمانسوز افزایش و کاهش می‌یافتند اما آنچه مسلم است این است که هیچگاه از چرخش باز نایستاده و روزگار درازی نیازهای غذایی و مایحتاج جامعه‌ها را برآورد ساخته‌اند.

و این جای تأمل است که: «استفاده از آب قنات‌ها و چشمه‌ها بعنوان یک منبع انرژی دیرپای، امروزه مسأله‌ای فراموش شده است، واقعیت این است که روستائیان ما قرن‌هاست که دقیقاً از انرژی پتانسیل آبهای جاری در بکارانداختن آسیابهای آبی و یا ماشینهای دیگر همچون "آب دنگ" سود جسته‌اند. و درست از هنگامی که جهان از

رس تمام شدن مواد انرژی نفتی به فکر استفاده از انرژی‌های دیگر چون انرژی جزر و مد و باد و آفتاب و غیره افتاده ماکمر به قتل آسیابهای آبی بستیم و نه تنها پله‌ای بر پله جریبات گذشتگان نیافزودیم، بلکه آن نردبان را کلاً درهم شکسته و بدور ریختیم.» (فرهادی، ۱۳۶۸، ص ۳۲)

«در گذشته حداقل به تعداد رشته‌های قنات و دهنه‌های چشمه‌های این مملکت، سیاب‌های آبی دایر داشته‌ایم. براین اساس می‌توان تخمین زد که با این آبها می‌توان در حدود ۶۰۰۰۰ چرخ آسیاب را به چرخش درمی‌آوریم و همراه با آن ۶۰۰۰۰ سنگ سنگین آسیاب را. (همان. ص ۳۳) کتاب تاریخ قم، تألیف ۳۷۸ هجری از ۵۲ آسیاب به فضیل نام می‌برد، که ۱۷ آسیاب آن دوقلو و به قول کتاب "۲ در ۱ حصار" بوده‌اند و ۸ سیاب آن کلاً و یا جزئاً وقف بوده است. باید اضافه کرد که احتمالاً برخی از آسیابها نیز جای یک سنگ گردنده، چند سنگ داشته‌اند. شاردن فرانسوی از آسیابهای چهارسنگ ر اصفهان نام می‌برد که چهارسنگ آسیاب را یک چرخ می‌چرخانده است.» (همان. ص ۳۳) تا قبل از آسیابهای آبی کار آسیا کردن غلات توسط نیروی باد، دست و یا چهارپایان صورت می‌گرفته است. "از دیرباز آسیابهایی که به یاری چهارپایان کاری ... به حرکت درمی‌آمده و یا بوسیله دست می‌چرخیده در ایران وجود داشته‌اند." پطروشفسکی. (۱۳۵۵ ص ۲۹) از این نوع آس‌ها می‌توان "خرآس" "اسب آس" و "دست آس" را نام برد. محمد مهدی بن محمد رضا الاصفهانی در کتاب خود "نصف جهان فی تعریف الاصفهان" که در سال ۱۳۰۰ هجری قمری گردآوری و به اتمام رسانده بن آسیابها را در اصفهان چنین معرفی می‌کند، "... قسم دیگر معمول به اصفهان ملاحظه‌ایست که به قوت حیوان، آلات و سنگ آن را به گردش می‌آورند، شتر و اسب و اطر و گاو بر آن می‌بندند و حساب نموده شده است که یک دوره حرکت حیوان بتفاوت عدد چرخها و سایر ادوات، از ۸ تا ۱۲ دور سنگ را حرکت می‌دهد و این را آسیاب ثاوی می‌خوانند چه غالباً "گاو بر آن می‌بندند و اسم آسیاب در این مقام غلط است چه سیاب معنی همان سنگی است که چرخ اول آن را آب حرکت می‌دهد و در اکثر خانها ستاس نیز دارند که مراد آس دستی باشد که بدست آنرا می‌گردانند و در همه جا

متفاوت و معمول است و در بعضی امکان این شهر باز قسمی دیگر دارند که با پای آنر حرکت می‌دهند و آن میانه دستاس و آس حیوانی می‌باشد و عمل آن هم میانه آن در است ... " (الاصفحانی، ۱۳۶۸، ص ۵۴). این آس‌ها تا قبل از آسیابهای بادی و آبی کاربرد زیادی داشته و از نوع دستی آن (دستاس، دسار) هم اکنون نیز استفاده می‌شود.

به تناسب ویژگیهای متفاوت اقلیمی و جغرافیائی در ایران، علاوه بر بهره‌گیری از آسیاب آبی، به آسیابهای بادی نیز توجه شده، این امر در مناطق کم آب جای خود را با استفاده از انرژی باد داده است، از این رو است که در بلوک فوشنج خراسان، بنا به گفت حمدالله قزوینی همه آسیاها به باد بوده‌اند. (بطروشفسکی، ۱۳۵۵، ص ۲۹۲) و مسعودی (سده ۴ هجری) در "مروج‌الذهب" در همین رابطه می‌گوید "نیستان دیار باد و ریگ است و همان شهر است که گویند باد آنجا آسیاها را می‌گرداند و آب را از چا کشیده باغها را سیراب کند و در همه دنیا شهری نیست که بیشتر از آنجا از باد سود برد و خدا دانتر است." (فرشاد، ۱۳۶۶، ص ۷۵) اما در باب آسیابهای آبی می‌توان گفت "سا گونه چرخ آبی که کار آسیابهای آبی را انجام می‌داده از زمان باستان در ایران روا بود است. نخست آسیاب نورس که به زبان فارسی آسیاب تنوره یا آسیاب پره خوانند می‌شود. دیگر آسیاب ویترویان (VITRUVIAN) که در زبان فارسی آسیاب چرخ‌چی نام گرفته است و سومی آسیاب شناور. آسیاب نورس محوری عمودی و تعداد پره فاشقمی شکل دارد. با آن‌که برخی آنان را به یونانیان نسبت می‌دهند ولی نخستین باری که از ساختن آن یادی آمده بنا به گفته استرابو در زمان مهرداد پادشاه اشکانی (۶۰ م) است که در کاخ او آسیای کوچک ساخته‌اند. این چرخ در سده‌های ۳ یا ۴ پس از میلاد به چین رسید. گمان می‌رود این انتقال از سوی ایران، و یا از سوی یونانیان در باکتریا صورت گرفته باشد. از دیدگاه ساختمانی آسیاب نورس (تنوره، آسیاب پره) این آسیاب از تونلی ایستاده درست شده است که آب را از سطح بالاتر به پائین می‌رسانده و تنوره نام داشته آبی که از مجرای پائینی این تونل خارج می‌شده به روی پره‌های چرخ با محور عمودی برخورد و آن را به گردش در می‌آورده است. گونه‌ای دیگر، آسیاب آبی ویترویان است که دارای محور افقی بوده و اختراع آن به رومیان سده ۶۰ پیش از میلاد نسبت داد.

می‌شود. معرفی آن در هندوستان ظاهراً در سدهٔ چهارم پس از میلاد توسط یک ایرانی به نام میترودروس انجام گرفته است. نوع سوم آسیاب آبی، چرخ شناور نام دارد و چنین پیدا است که در سدهٔ دهم پس از میلاد در ایران به تعداد زیادی ساخته می‌شده است، بنا به گفته مقدسی این آسیاب در رودخانه‌های بزرگ میان‌رودان، خراسان و خوزستان قرار داشته و بوسیلهٔ پره‌های بزرگ پاروئی دوران می‌کرده است ... (همان، ۷۴۵)

محمد مهدی بن محمد رضا الاصفهانی نیز در کتاب خود شرحی بر آسیابهای آبی اصفهان و انواع آن دارد، که می‌نویسد: "واز جمله اجزا شهری چون یکی طاحونه است و در هر شهری از آن به نحوی مصطلح و معمول است در اصفهان طاحونه به چند قسم متعارف است: یکی طاحونهٔ آبی است که آنرا آسیاب می‌نامند و در دیگر شهرها به علت قلت آب یک متمم آسیابی می‌سازند که آن را آسیاب تنوره می‌گویند و میزان آب این متمم آسیاب براهمیت تعیین مقدار آب هر نهر و جوی گرفته‌اند و حساب می‌نمایند و آن را عرضاً و عمقاً بطور اکثر مقدار یک چهار یک ذرع شاه آب را که به قوت روان باشد مقرر نموده‌اند و این قدر آب بطور انحدار یک سنگ آسیاب تنوره را می‌گرداند. اما آسیابهای اصفهان بجهت وفور آب زاینده‌رود قسم دیگر است. چرخ بزرگ در جنب دیوار آسیابی که ساخته‌اند تعبیه و مقرر کرده‌اند که بر آن چرخ پرها است و لامحاله این چرخ در محل سرازیری و انحدار آب جوی خواهد بود و به تفاوت جای‌ها اقلأً به قدر چهارسنگ میرابی آب بر آن چرخ و پره‌ها ریخته و چرخ‌های داخل آسیاب را به حرکت و سنگ آن را که به آس موسوم است به گردش می‌آورد چنان به سرعت که ضبط دورهٔ آن به سهولت ممکن نشود و اکثر آسیابهای شهری آبش از قدر ۱۰ سنگ میرابی هم شاید زیادتر باشد و معلوم که قوت آن چه مثابه زیادتر و سنگ آس عظیم‌تر گردش آن به قوت‌تر و زیادتر می‌باشد. در شهر اصفهان در شاخ‌های نهر فدین و جوی طیران و غیر آن و در حوالی شهر بر سایر انهار از این قسم آسیاب بسیار و مدار امر و کار بر آن است و از قسم آسیاب تنوره در بعضی از دهات جهت قلت آب قنات قدری می‌باشد. (الاصفهانی، ۱۳۶۸، ۵۴)

دمشقی، آسیاب آبی خودکار و عجیبی (بدون استفاده از نیروی پتانسیل آب) را،

در مرند آذربایجان دیده و شرح و تصویری از آن ترسیم کرده چنین بازگو می‌کند: "دیگر مرند است که افشین آن را برآثار بنای کهنه ساخت و مراد پسر ضحاک برآن بیفزود. این شهر دارای مرزهای استوار است و آسیابی دارد که با آب راکد می‌چرخد و یکی از شگفتیهای روزگار و شهرها به شمار می‌آید. این آسیاب دوسنگ دارد که آن دوسنگ دو پره یا چرخ دارند که با آب می‌چرخند و سنگ زبرین آسیاب را به گردش درمی‌آورند تا دانه‌ها را آرد کند و آن دو چرخ در کنار خزانه یا سردابی پرآب و راکد که به اندازه یک قامت عمق و ۶ ذراع وسعت دارد، قرار گرفته‌اند. در وسط عرض این سرداب ستونی همچون پلی کشیده شده که دو سویش از دو جانب در دیواره‌های سرداب فرورفته است و برروی آن ستونی گسترده بر سطح آب، آبراههائی سُرین و محکم که هریاره آنها به پاره دیگر سخت پیوسته و یک پارچه شده، قرار گرفته است که آب را از نیم ذراعی به درون می‌مکد و در خود می‌برد و آب با نیرو به دهانه دیگر آبراه که تا اندازه معینی از روی آب بلندتر می‌باشد نزدیک می‌شود و از آن فوران کرده برروی پره‌های چرخ می‌ریزد و چرخ بدین وسیله به گردش در می‌آید و سنگ آسیاب را نیز با خود می‌گرداند. آن آب پس از آنکه برروی پره‌های چرخ ریخته شود بار دیگر به سرداب برمی‌گردد. آبراهه دیگری به این آبراهه پیوسته است که از جهت طول و پهنی و عمل همانند آن است لیکن دهانه آب در جهت مخالف دهانه این آبراهه واقع است بطوری که این آبراهه آب را از همانجائی که آن آبراهه دیگر در سرداب می‌ریزد بالا می‌برد و آن آبراهه نیز آب را از آنجائی که این آبراهه می‌ریزد بالا می‌کشد و در واقع آب همان یک آب است که بالا و پائین می‌شود و نه کم می‌گردد و نه افزایش می‌یابد و جز به واسطه مکیدن این دو آبراهه از دو سوی مخالف هم و برگردان آن، حرکتی نمی‌کند و این تصویر آن سرداب و آب و عمود و دو آبراهه است و تو این را به خوبی دریاب." (فرشاد، ۱۳۶۶، ۷۴۷)

رافائل دومان که در قرن هفدهم می‌زیسته آسیابهای آبی ایران را چنین تعریف می‌کند: "این ماشینها دارای چرخهای کوچک مضاعف هستند تا بیشتر از آبی که مستقیماً به روی پره‌ها می‌ریزد استفاده شود - نه آبی که از طریق مجرای خاص می‌ریزد بلکه آبی که به سرعت از رود یا جوی سرازیر می‌شود ... سنگ آسیاب - سنگی یک تکه است که

با تیشه مدورش کرده‌اند - سه فوت قطر آن است و به روی سنگ ساکنی می‌گردد که قطر دایره آن هم تقریباً همان است.

این ماشین به سبب سبکی، خیلی به سرعت می‌گردد و آردی که به قدر کفایت نرم است، (ASSEZ SUBTIL) بیرون می‌دهد. (پطروشفسکی، ۱۳۵۵، ص ۲۹۲) "چیزی که امروزه جایی به حساب نمی‌آید، کیفیت آرد این‌گونه آسیابهاست که به هیچ‌وجه با آرد آسیاب‌های موتوری قابل قیاس نیست. آسیابهای آبی بخاطر اینکه هنگام آرد کردن، گرمی، حرارت زیادی ایجاد نمی‌کردند، لذا عطر و طعم و ویتامینها و کیفیت غذایی گندم را حفظ می‌کردند. عطر نانی که با این آسیابها پخته می‌شد، فضای پیرامون ده را عطر آگین می‌کرد و در ضمن نان تا مدت زیادی نرم و تازه می‌ماند." (فرهادی، ۱۳۶۸، ص ۳۳)

گذاشته از انواع این آسیابها و چگونگی کار آنها در اوایل دوره امپراطوری اسلامی و در زمانی که خلفای عباسی دارای قدرت زیاد بودند. بندهای باستانی تعمیر و مورد بهره‌برداری قرار می‌گرفتند. از جمله سیستمهای آبی که مسلمانان از پیشینیان به ارث بردند شبکه‌هائی بود که در شوشتر، اهواز، بندقیر و دزفول قرار داشته است. این تأسیسات، پس از اسلام، توسط ایرانیان تعمیر شد و به سیستم آبیاری شوشتر نیز سد دیگری با نام سد بولیئی افزوده گشت این سد که بر روی کانال گرگر ساخته شده بود برای بهره‌گیری از نیروی آب بکار می‌رفت و همراه آن در روی رودخانه گرگر چرخها و آسیابهای آبی نصب شده بود. این آسیابها در تونلهائی که در دوسوی کانال و در سنگ عیبیه شده بودند قرار داشته و این خود یکی از نمونه‌های نخستین پیدائی سیستم نیروی محرکه آبی در دنیا به شمار می‌رود ... " (فرشاد، ۱۳۶۶، ص ۳۳)

حمدالله مستوفی نیز در "نزهة القلوب" آسیابهای یکی از رودخانه‌های نیشابور را چنین توصیف می‌کند "بدین رودخانه ۴۰ آسیاب ساخته‌اند و آب چنان تیز آید که یک خروار گندم در دلو آسیا می‌کند به مقدار سرد و جوال دوختن آن یک خروار آرد شده می‌باشد چنانکه درازگوش در دنباله هم می‌رسد (مستوفی، ۱۳۶۲، ص ۱۴۸) و رصت‌الدوله در "آثار العجم" از آسیابی نام می‌برد که "هفت سنگ داشته" (باستانی، ۱۳۶۰ سال ۲۷۳) که همگی به قدرت یک چرخ به گردش بوده‌اند.

پیشینه پژوهش

پیش از نوشته حاضر، در سه منبع اشاراتی گذرا به آسیابهای منطقه شده است، که لازم است در اینجا از آنها یاد کرد. نخستین بار نام برخی اصطلاحات و اجزاء آسیابهای منطقه در دو شعر کوتاه که در آن به ایهام از «آسیا» بعنوان نماد قاره آسیا استفاده شده، به کار رفته است (فرهادی، ۱۳۵۷، ص ۶ و ۷ و ۹۶). پس از آن آماري از آسیابهای دهستان دالائی - یکی از دهستانهای کمره - و آسیابهای موتورجی جایگزین آن در مقاله «ماشین‌های آبی» (فرهادی، ۱۳۶۸، ص ۳۳) و بالاخره در «نامه کمره» فشرده اطلاعاتی از نه آسیاب از یکی از روستاهای دهستان حمزه‌لو همراه با سه سند و یک عکس آمده است. (فرهادی، ۱۳۶۹، جلد اول، ص ۲۲۶ - ۲۲۴ و جلد دوم ص ۱۵۶ و سند شماره ۶ مکرر).

آسیاب‌های کمره

«کمره امروز، نامی در شرف فراموشی است. تا چندی پیش این نام، در تابلوهای قدیمی شهر کوچک خمین و در دفاتر دولتی دیده می‌شد و هنوز نیز بدنبال پاره‌ای از نامهای خانوادگی اهالی باقی مانده است. پس از مستقل شدن خمین از محلات و قبل از آن گلپایگان، خمین و روستاهای آن بخش کمره را تشکیل می‌دادند. خمین کنونی یکی از شهرستانهای استان مرکزی است و تا دی‌ماه ۱۳۵۸ از شهرستانهای استان تهران محسوب می‌شد.

شهرستان خمین از شمال به محلات، از شمال غربی به اراک، از مشرق به بخش مرکزی شهرستان محلات، از جنوب به بخش مرکزی شهرستان گلپایگان و از مغرب به بخش جاپلق (غربی) از شهرستانهای الیگودرز محدود است. (فرهادی، ۱۳۶۹ جلد اول، ص ۷۱) و دارای پنج دهستان (رستاق، گله‌زن، حمزه‌لو، دالائی، جاپلق) است. وجود آب نسبتاً فراوان در ناحیه کمره باعث گردیده تا در مسیر بیشتر قنات‌ها و چشمه‌ها تا چندین آسیاب بمنظور استفاده از انرژی پتانسیل آب، بنا گردد.

طبق آمارگیریهای نگارنده کمره در گذشته دارای ۱۰۰ آسیاب آبی بوده است. هستان رستاق (۲۵)، گلهزن (۱۵)، حمزه‌لو (۲۵)، دالائی (۱۸) و جاپلق (۱۷) آسیاب شته‌اند. در حال حاضر بجز تعداد کمی از آنها مابقی بصورت مخروبه درآمده‌اند. به‌طور جلوگیری از هدر رفتن آب علاوه بر آسیابهای دائم‌گرد و همیشگی، روستائیان دام به ساخت آسیابهای زمستان‌گرد از آب هرز، برف و باران‌های زمستانه و بهاره رده‌اند. در آسیابهای زمستان‌گرد هدایت آبهای هرز زمستانی از بستر رودخانه به طرف سیاب، بوسیله فردی انجام می‌شود که او را "ایمال"، "درازآب"، "آبمال" و یا "میراب" نامند و کار او را "درازآبی" می‌دانند در صورت نزول برف و باران کافی مدت کار این سیابها به ۲ - ۳ ماه در سال می‌رسد که معمولاً از اوایل زمستان تا اواخر آن و در پربابی ال تا ۴۰ روز از بهار رفته می‌باشد. کاهش نزولات آسمانی از مشکلات اساسی این سیابهاست بخصوص که بیشتر آنها از طرف مالکین به صورت اجاره واگذار می‌شده است. روستائیان کمره ضرب‌المثلی دارند که باید از سالهای خشک و کم‌آب و همدلی با میابان دارد؛ "قربان دل‌سوخته‌ات آسیابان، تا وقتی بار داری آب نداری، وقتی آب ری بار نداری". مدت قرارداد آسیابهای زمستان‌گرد ۳ - ۴ ماه و آسیابهای دائم‌گرد ال به سال و یا در اصطلاح محلی "آسیاب به آسیاب" بسته می‌شود. هزینه آسیاب از ناظ تعمیرات ساختمان و "چاق کردن" سنگ آسیاب و پرداخت مزد "درازآب" مانظور که در قرارداد ذکر می‌شود بعهده مستأجر است. در آخر سال که قرارداد سمیت خود را از دست می‌دهد، آسیابان اجاره‌مالک را که با توجه به نوع آسیاب تعیین شود بصورت آرد یا گندم به مالک تحویل می‌دهد. این میزان حدود ۸ تا ۱۸ خروار دم یا آرد است یک آسیاب در صورت به اصطلاح "چاق" بودن قادر است از ۳ - ۷ روار گندم را در شبانه‌روز آرد کند، و در صورت "کل" (کند) بودن سنگها تولید آرد هس و به ۳۵۰ کیلو در شبانه‌روز می‌رسد.

جدول شماره (۱) تعداد آسیابهای دهستان حمزه لو کمره

ردیف	نام روستا	تعداد	نوع آسیاب از نظر گردش آب		نوع آسیاب از نظر آبرسانی		جمع تولید آسیابهای هر روستا در ۲۴ ساعت	منبع تأمین آب برای هر تعداد
			دائم گرد	ناقی	تنورهای	تورهای		
۱	بزیجان	۱	-	+	-	-	۳	قنات
۲	بلاورجان	۱	-	+	-	-	۳	قنات
۳	شهابیه (آزه)	۱	-	+	-	-	۲	قنات
۴	امامزاده یوجان	۱	-	+	-	-	۲	قنات
۵	خراونه	۱	-	+	-	-	۲	قنات
۶	خوگان	۱	-	+	-	-	۲	قنات
۷	سرکوبه	۲	-	++	-	-	۳	چشمه
۸	خینرآب	۱	+	+	-	-	۱	قنات
۹	امامزاده ورچه	۲	+	-	++	++	۴/۵	قنات
۱۰	آشپانه سفلی	۱	-	-	-	+	۲	قنات
۱۱	سیان	۱	+	-	+	+	۲	قنات
۱۲	ورچه	۲	+	+	-	+	۵	قنات
۱۳	مزارع	۱	-	+	+	+	۲	چشمه
۱۴	نازی	۹	+++++	+++++	+++++	+++++	۳۳	چشمه
-	-	۲۸	۱۳	۱۸	۱۲	۷	۶۷/۵	-

جدول شماره (۲) تعداد آسیابهای روستای نازی از دهستان حمزه لومکره

منبع تأمین آب برای هر تعداد	جمع تولید آسیابهای هر روستا در ۲۴ ساعت	نوع آسیاب از نظر آب رسانی		نوع آسیاب از نظر گردش آب		تعداد	نام روستا	ردیف
		تنوره‌ای	ناقی	دائم گرد	زمستانگرد			
چشمه یوجان	۴ خروار	-	+	+	-	۱	سر	۱
چشمه یوجان	۴ خروار	-	+	+	-	۱	توده	۲
چشمه نازی	۳ خروار	-	+	+	-	۱	پشت ده	۳
چشمه یوجان	۵ خروار	+	+	+	-	۱	پاچغا	۴
چشمه یوجان	۳ خروار	-	+	+	-	۱	شفائی	۵
چشمه یوجان	۴ خروار	+	-	+	-	۱	سرخ	۶
چشمه یوجان	۳ خروار	-	+	+	-	۱	سفید	۷
چشمه یوجان	۲ خروار	-	+	+	-	۱	یتیم	۸
چشمه یوجان	۵ خروار	-	+	+	-	۱	نق	۹
-	۳۳	۱	۸	۹	-	۹	۹	جمع

جدول شماره (۳) تعداد آسیابهای دهستان دالانجی کمره

ردیف	نام روستا	تعداد	نوع آسیاب از نظر گردش آب		نوع آسیاب از نظر آبرسانی		جمع تولید آسیابهای هر روستا در ۲۴ ساعت	منبع تأمین آب برای هر تعداد
			دائم‌گرد	ناقص	تنوره‌ای	تورهای		
۱	دانبال	۱	-	-	+	+	۱	قنات
۲	هرانگله	۱	-	-	+	+	۱	قنات
۳	حاجی آباد	۲	++	-	++	++	۲	قنات
۴	داودآباد	۲	++	-	++	++	۵	چشمه - روداب
۵	تهتق	۱	+	-	+	+	۲	قنات
۶	کندان	۱	-	-	+	+	۲	قنات
۷	لیلان	۲	-	+	+	+	۵/۵	چشمه - قنات
۸	قورچی باشی	۳	+++	-	+++	+++	۷/۵	چشمه - قنات
۹	خان آباد	۱	-	-	+	+	۳	قنات
۱۰	طیب آباد	۱	-	+	-	-	۲	قنات
۱۱	چهارطاق	۱	+	+	-	-	۲	قنات
۱۲	امین آباد	۱	-	-	+	+	۳	قنات
۱۳	لکان	۱	+	-	+	+	۴	چشمه - قنات
جمع		۱۸	۱۰	۳	۱۵	۴۰		

جدول شماره (۴) تعداد آسیابهای دهستان چابلق شهرستان خمین (کمره)

منبع تأمین آب برای هر تعداد	جمع تولید آسیابهای هر روستا در ۲۴ ساعت	نوع آسیاب از نظر آبرسانی		نوع آسیاب از نظر گردش آب		تعداد	نام روستا	ردیف
		تنوره‌ای	ناقی	دائم گرد	زست‌انگردد			
قنات	۳ خروار	-	+	-	+	۱	امامزاده عبدالله	۱
قنات	۷ خروار	+	+	+	+	۲	خلیل آباد	۲
قنات	۴ خروار	+	-	-	+	۱	آشمسیان	۳
قنات	۴/۵ خروار	+	+	-	++	۲	برجک	۴
قنات	۴ خروار	+	-	+	-	۱	دمنه	۵
قنات	۴ خروار	-	+	+	-	۱	چغاسیف‌الدین	۶
قنات	۲ خروار	+	-	-	+	۱	سکانه	۷
روداب - قنات	۶/۵ خروار	-	+++	+	++	۳	چهار چشمه	۸
روداب	۵/۵ خروار	-	++	+	+	۲	دمسیاه	۹
روداب	۲ خروار	-	+	-	+	۱	کمانکش	۱۰
روداب	۲ خروار	-	+	-	+	۱	قلعه بابر	۱۱
روداب	۲ خروار	-	+	-	+	۱	کاظم آباد	۱۲
-	۴۶/۵	۵	۱۲	۵	۱۲	۱۷	۱۲	جمع

جدول شماره (۵) تعداد آسیابهای آبی دهستان گله زن کمره

ردیف	نام روستا	تعداد	نوع آسیاب از نظر گردش آب		نوع آسیاب از نظر آب‌رسانی	تثروتهای	جمع تولید آسیابهای هر روستا در ۲۴ ساعت	منبع تأمین آب برای هر تعداد
			دائم‌گرد	ناتی				
۱	مزابین	۱	+	-	+	+	۲	قنات
۲	قیدو	۲	+	+	+	+	۵	قنات
۳	مهبستان	۱	+	-	+	+	۱	قنات
۴	انزرجان	۱	-	-	+	+	۶	روداب
۵	جلماچورد	۱	+	-	+	+	۳	قنات
۶	شاقو	۱	-	-	+	+	۳	قنات
۷	شهر میزان	۲	+	+	+	+	۹	روداب
۸	رباط مراد	۱	-	-	+	+	۴	روداب
۹	میان رودان	۱	-	-	+	+	۲	قنات
۱۰	حیدرآباد	۱	-	+	-	-	۴	روداب
۱۱	کفسان	۱	-	+	-	-	۳	روداب - قنات
۱۲	کرمو	۱	-	-	+	+	۲	روداب
۱۳	جعفرآباد	۱	-	-	+	+	۵	قنات - روداب
جمع	۱۳	۱۵	۶	۴	۱۱	۴۶	-	

جدول شماره (۶) تعداد آسیابهای بخش رستاق کمره

منبع تأمین آب برای هر تعداد	جمع تولید آسیابهای هر روستا در ۲۴ ساعت	نوع آسیاب از نظر آبرسانی			نوع آسیاب از نظر گردش آب		تعداد	نام روستا	ردیف
		تتورای	ناقی	دائم گرد	زمستانگرد				
قنات	۷ خروار	+	-	+	-	۱	حشمیه	۱	
قنات	۶ خروار	+	+	++	-	۲	گوشه محمدمالکی	۲	
چشمه	۱۱/۵ خروار	+++	-	++	++	۴	ریحان	۳	
قنات	۴ خروار	+	-	-	+	۱	گوشه عظیم	۴	
رودخانه	۶ خروار	+	-	-	+	۱	نی شهر	۵	
رودخانه	۲ خروار	+	-	+	-	۱	خرار	۶	
قنات	۵ خروار	+	-	+	-	۱	فرق	۷	
روداب	۳ خروار	-	+	-	+	۱	دریند	۸	
رودخانه	۴ خروار	-	+	+	-	۱	آشناخور	۹	
رودخانه	۴ خروار	+	-	+	-	۱	دهنو	۱۰	
قنات	۳ خروار	+	-	+	-	۱	فرج آباد	۱۱	
قنات	۲ خروار	+	-	-	+	۱	قلعه کهوریز	۱۲	
قنات	۲ خروار	+	-	+	-	۱	اسفنجیه	۱۳	
قنات	۵ خروار	++	-	++	-	۲	کوکله	۱۴	
قنات - چشمه	۸ خروار	++	-	+	+	۲	میشجان علیا	۱۵	
قنات - رودخانه	۵ خروار	+	-	-	+	۱	شاهین	۱۶	
قنات	۶ خروار	+	-	-	+	۱	شهریار خمین	۱۷	
قنات	۶ خروار	+	-	-	+	۱	خانی خمین	۱۸	
قنات	۶ خروار	+	-	-	+	۱	خمین	۱۹	
-	۹۵/۵	۲۲	۳	۱۴	۱۱	۲۵	۱۹	جمع	

جدول شماره (۷) تعداد و تولید کل آسیابها در ۲۴ ساعت

ردیف	نام دهقان	تعداد آسیاب	تولید کل منطقه در ۲۴ ساعت
۱	حمزه‌لو	۲۵	۶۷/۵ خروار
۲	دالائی	۱۸	۴۰ خروار
۳	جابلق	۱۷	۴۶/۵ خروار
۴	گل‌زن	۱۵	۴۶ خروار
۵	رستاق	۲۵	۹۵/۵ خروار
جمع	۵	۱۰۰	۲۹۵/۵ خروار

سنگها برحسب دوام و مرغوبیت به "شاهدانه‌ای" و "رگه‌دار" تقسیم می‌شود نوع مرغوب آن، "شاهدانه‌ای" بوده که از "آشتیان" و "فراهان" اراک آورده می‌شده است. عمر مفید یک سنگ طی یک سال گردش تمام می‌شود. هر هفته نیز در صورت گردش آسیاب، سنگها "تیز یا چاق" می‌شوند. این کار توسط افرادی که در محل به "آسا آسیا" و یا "آسیو چاق‌کن" معروف‌اند، انجام می‌گردد. "آسا آسیاها" تیز کردن سنگها را بوسیله دو کلنگ یکدم و دودم که به "آزینه"، "آسیازنه"، "آسیازن"، "نقار"، "منقار"، "برطیل"، "مکوس"، "آس افزون"، "آسیاژن"، "میقه" (دهخدا، ۱۳۲۵) و "آزینه" (عمید، ۱۳۶۳، ص ۳۱) معروف است انجام می‌دادند. هنگام کار، آسیاب چاق‌کن‌ها، پس از درآوردن سنگها از جای خود آنها را برمی‌گرداند و آجری را که قبلاً داخل آب گذاشته شده روی آنها میکشند. با این کار هرکجای سنگ بلند باشد رنگی می‌شود که با کلنگ تراشیده یا "عاج" می‌زنند. آسیابان مزد خود را در قبال گندم آرد شده با توجه به، فصل سال برداشت می‌کند. معمولاً این مقدار در فصل زمستان از هر خروار گندم (۳۰۰ کیلو) ۲ تا ۲/۵ من (من شاه برابر ۶ کیلو) و در تابستان از هر خروار ۳ تا ۴ من می‌باشد.

آسیاب‌ها در فرهنگ مردم

مردم کمره آسیاب را مکان مقدسی دانسته^{***} و پیدایش آسیاب آبی را به زمان حضرت سلیمان و به یکی از دیوهای او نسبت می‌دهند.^{***} مقدس دانستن آسیاب‌ها در

*** در نزدیکی آشتیان آسیابی دوقلو معروف به آسیاب جفتی وجود دارد که هنوز فعال و باز است. در نزدیکی این آسیاب و در پنج کیلومتری شهرستان روستائی بنام آهو میباشد که آنجا امامزاده‌ای معروف به شاهزاده عبدالله هست، اهالی روستای فوق و همجوار و بسیاری از مردم آشتیان به این آسیاب اعتقاداتی دارند و ریشه این اعتقاد براین است که حضرت قبل از ورودشان به "آهو" در این آسیاب توقفی داشته‌اند. لذا از اینجاست که برای رفع هرگونه مشکل، نفتی برای چراغ آسیاب می‌آورند و روشن می‌کنند و یا کوزه‌ای نو خریده و از آب زیر کوره پر می‌کنند و می‌برند و یا زنها با روی پوشیده بدون هیچ گفتگویی با آسیابان وارد آسیاب می‌شوند و مقداری از "آرد" وسط دو سنگ را که در حال سرریز شدن است برمی‌دارند و باخود می‌برند.

*** روستائیان کمره دراختراع آسیابهای آبی عقیده دارند: حضرت سلیمان دارای چندین دیو که هر کدام وظیفه‌ای داشته‌اند. روزی یکی از دیوها که وظیفه‌اش چرخاندن سنگهای آسیاب با دست بوده، هنگام چرخاندن ادامه در صفحه بعد

منطقه از یک جهت نشانگر نیاز مردم به این نوع "آس" است، که سبب شده جهت رفع بلایا و نظر شور بدچشمان، همیشه دعائی را بر بالای سنگ آسیا که به "تیرک" یا "چوب" "چغچغه" بسته می‌شده آویزان کنند، و معتقدند اگر سنگ آسیا بشکند دلیل چشم زخم آدم بدنظری بوده است. آسیاب در گویش کمره‌ای "آسیو" و "طاحونه" خوانده می‌شود. همچنین در گویش مردم این ناحیه ضرب‌المثلها و واژگان خاصی در زمینه ابزار و اسباب آسیاب به کار رفته که همانند آنها در فرهنگها و حتی مناطق همجوار کمتر یافت می‌شود. اینک چندین واژه ابزار و اسباب آسیاب را با نقش آنها، و ضرب‌المثلهای معروف را در گویش کمره‌ای ذکر می‌کنیم:

مرد خانه یا نشین بند :

ساختمان آسیاب‌ها معمولاً از سه قسمت کاملاً مجزا ساخته شده که به ترتیب، مردخانه یا نشین‌بند، "پاچال" و "مال‌بند" است. قسمت میانی ساختمان که روبروی درب ورودی آسیاب است، محل نشستن و بیتوته آسیابان و وزن نمودن گندم و آرد است که به "مردخانه" معروف است. این قسمت ساختمان از وسط به اندازه یک متر بلندتر و در وسط آن "تنوری" است که جهت بستن کرسی و پختن نان از آن استفاده می‌شود. در این تنورها، و در تمامی آسیابها "فطیری" پخته می‌شود، بدون نمک و مایع خمیر، که به "فطیر آسیابی" ^{*} معروف است.

ادامه از صفحه قبل سنگها متوجه برگ گیاه "کنگر" می‌شود که در جوی آبی که در آن نزدیکی بوده، با جریان سریع آب در جای خود در حال چرخش است. این دیو چون از این کار خسته و آزرده بوده، به فکرش می‌رسد که این کار را با سنگهای آسیاب انجام دهد. پره‌ای از چوب می‌سازد و آن را در مسیر آب می‌گذارد و سنگ را بر روی پره قرار می‌دهد. بعد از این کار متوجه گردش سنگها می‌شود، دیو با خوشحالی گندمش را آرد می‌کند و برمی‌گردد. همه دیوها با تعجب از او می‌پرسند چرا زود برگشتی؟، دیو می‌گوید: اختراعی کرده‌ام که کارم زود پایان یافت. همه دیوها به محله آسیاب می‌روند و متوجه کار دیو می‌شوند. خبر را به حضرت سلیمان می‌رسانند که دیو با آب رونده آسیابی ساخته است. آن حضرت پس از بازدید، دیو را تشویق می‌کند و یکی از ایالات ایران در خراسان را نیز به او می‌دهد. ^{**} این نان در روستاهای آشتیان به "نیامده" معروف است.

پاچال :

قسمتی که سنگ آسیاب و "آرتیلان" و دیگر اسباب آسیاب در آن قرار دارد. این قسمت در بیشتر آسیابها در سطح پائینتری از سطح "نشین‌بند" ساخته شده است، که علت آن عدم نفوذ رطوبت به قسمت ساختمان میانی و مال‌بند است.

مال‌بند :

"مال‌بند" یا "طویله" محل مجزای دیگری است جهت بستن حیواناتی که بارگندم می‌آورند. در این قسمت، مکان کوچکی نیز برای انبار کردن گندم ساخته شده است.

دیلیان یا دیلیان :

محلی است که در قسمت همکف ساختمان میانی و در داخل امتداد یکی از دیوارهای "نشین‌بند" ساخته شده و از این محل که به شکل چهارگوش و به اندازه ۳۰ سانت عمق دارد، آسیابان کیسه‌های گندم را در داخل آن خالی می‌کند و گندم از سوراخی که در کف دیلیان است، بوسیله "سول" به لای سنگهای آسیاب راه می‌یابد. هر دیلیان قادر است تا یک خروار گندم را در خود جای دهد.

سول :

چوبی است در حدود ۱/۵ متر داخل آن خالی و به شکل ناودان است. سول از زیر سوراخ "دیلیان" و با شکستگی از دیواره آن خارج می‌شود و گندم از سوراخ انتهایی لبه آن در سوراخ سنگ روی ریخته می‌شود.

شیطانک :

طنابی است که یک سرش به لب انتهایی "سول" و سر دیگرش به دیوار آسیاب وصل است. شیطانک هنگام حرکت و چرخش سنگ آسیاب که اندکی از مرکز خود

خارج می‌شود سُول را که موقع سرازیر شدن گندم لرزش دارد به طرف خود کشیده و آزاد میکنند این عمل شیطانک باعث می‌شود که دهانه "سُول" در مقابل سوراخ سنگ رو قرار گرفته و از ریختن و پاش گندم جلوگیری کند.

تیرک :

تیر چوبی است که یک سر آن داخل دیواره "دیلیان" و سر دیگرش، داخل دیوار مقابل است. تیرک با فاصله یک متر در بالای سر سنگ قرار دارد و در وسط آن سوراخی است، که "چغچغه" از آن می‌گذرد و "سنگ پرگار" تیز به دور آن پیچیده شده است.

چغچغه :

چوبی است گرد و نسبتاً باریک که در فاصله چند سانتی بالای سوراخ سنگ آسیاب قرار دارد و سر دیگرش از سوراخ تیرک گذشته و به آن محکم شده است. هنگامی که گندم از "سُول" می‌گذرد با لرزشی که دارد به وسیله طناب "شیطانک" به عقب و جلو کشیده می‌شود "سُول" با حرکت عقب و جلوی خود به "چغچغه" خورده و باعث ریزش سریعتر گندم می‌شود. با برخورد "سُول" و "چغچغه" به یکدیگر صدائی ایجاد می‌گردد، که به "نغمه آسیاب" معروف است. در بعضی از آسیابها به "سُول" و "چغچغه" زنگوله هم بسته می‌شود که با حرکت آنها به صدا در می‌آید و به آن "زنگ آسیاب" می‌گویند.

پایه :

تنه درختی است نسبتاً قطور به طول $2/5$ متر که حدود $0/5$ متر آن از سطح کف آسیاب بیرون است و سردیگر آن از "تخته ماله" گذشته و باعث دور و نزدیک شدن سنگهای آسیاب از یکدیگر می‌شوند. هنگامی که آسیاب باری ندارد بوسیله "گُوّه" که در داخل پایه با ضرب وارد می‌شود "چرخ پره" از مسیر آب کنار رفته، آسیاب می‌خوابد.

نگ:

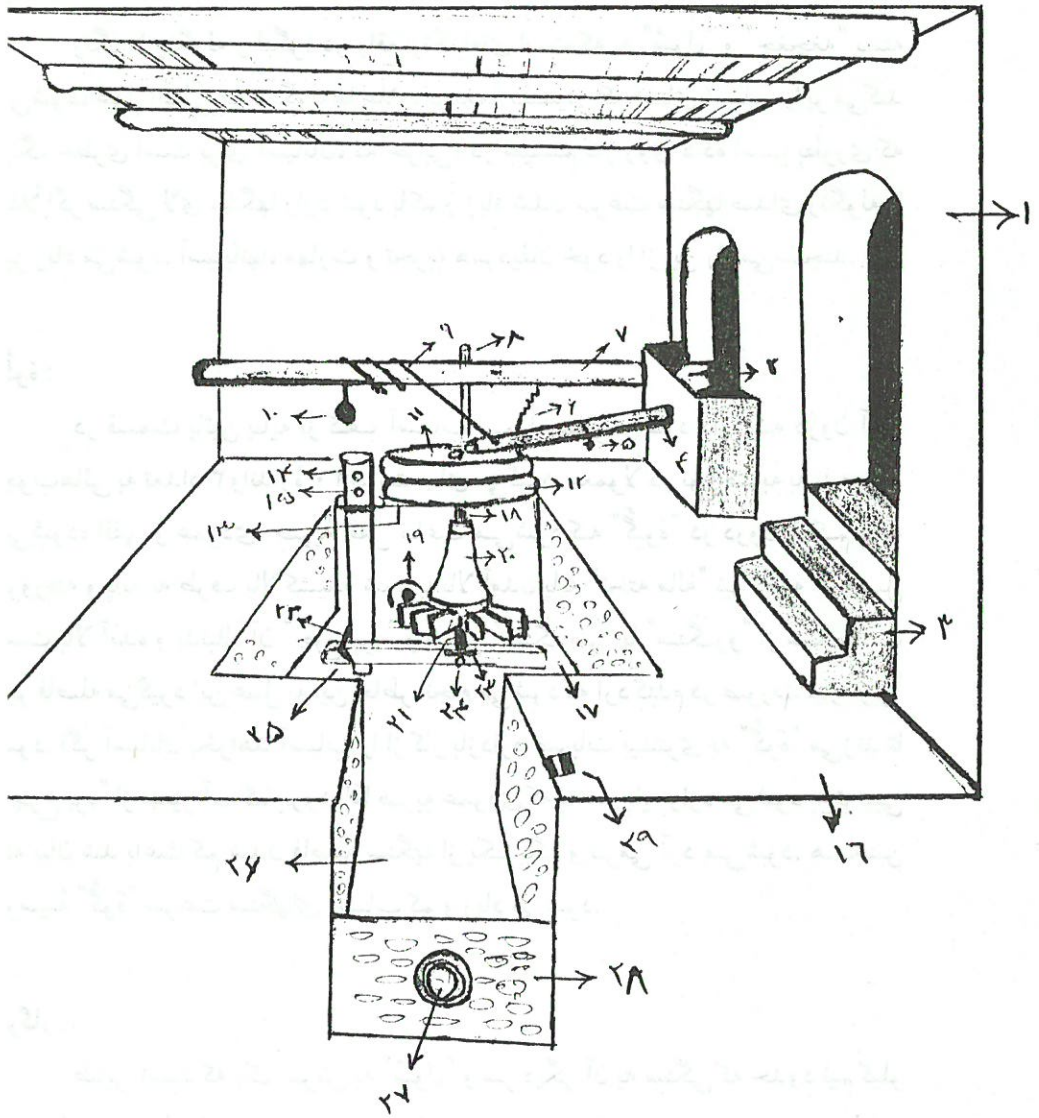
زنگ یا زنگوله و لنگر؛ در واقع زنگوله‌ای است که به "سول" و "چغچغه" بسته می‌شود، عمل اصلی این زنگوله‌ها علاوه بر نغمه دلنشینی که فضای آسیاب را پر می‌کند ننگ خطری است برای آسیابان، که خرابی؛ در سیستم کار روی داده است بطوری که ثلاً اگر سنگی لای سنگها وارد شود باکم و زیاد شدن سرعت سنگها صدای زنگوله‌ها بز زیاد می‌شود. آسیابانها، مهارت و تجربه همردیفان خود را از این راه می‌سنجند.

نوه:

در قسمت پائین پایه از کف آسیاب سوراخهایی وجود دارد که درون آنها عوب‌هائی به تعداد ۳ و اندازه ۳۰ سانت جای می‌گیرد. معمولاً دو نوع ضربه به پایه وارد می‌شود، افقی و عمودی، ضربه افقی باعث می‌شود که "گوه" در درون شکم پایه رورفته و پایه به طرف بالا کشیده شود با بالا آمدن پایه "تخته ماله" نیز که به آن وصل ست بالا آمده و بدنبال آن "چرخ پره" و سپس "سنگ سر" یا "سنگ‌رو" از سنگ ثابت یر فاصله می‌گیرد این عمل به این خاطر انجام می‌شود که آرد گندم در صورت نیاز "زبر" بود. اگر آسیابان بخواهد آسیاب را از کار بازدارد ضربات بیشتری به "گوه" می‌زند تا چرخ پره از مسیر آب کنار رود. اما ضربه عمودی که به سر پایه وارد می‌شود به ترتیبی به بیان شد باعث کم شدن فاصله سنگها از یکدیگر و نرمی آرد می‌شود. همچنین سیله "گوه" سرعت سنگهای آسیاب کم و زیاد می‌شود.

رگار:

طنابی است که یک سرش به "سول" و سر دیگر آن به سنگی که حدود نیم کیلو زن دارد و وسط آن سوراخ است بسته شده و به دور تیرک پیچیده است. هرچه طناب رگار بیشتر به دور تیرک پیچیده شود باعث بالا ایستادن "سول" و ریزش کمتر گندم به سوراخ سنگ و برعکس، باعث ریزش سریعتر گندم می‌شود.



- ۱ - پاچال
 ۲ - ديليان
 ۳ - پله‌هاى ورود بداخل پاچال
 ۴ - سؤل
 ۵ - زنگوله
 ۶ - طناب شيطانك
 ۷ - تيرك
 ۸ - چغچغه
 ۹ - پرگار
 ۱۰ - سنگ پرگار
 ۱۱ - سنگ رو (سنگ سر)
 ۱۲ - سنگ زير
 ۱۳ - آرتيلان (گودالى بشكل مربع، نيم متر در نيم متر، كه بر روى سقف زير آب بنا شده)
 ۲۶ - هرز آب (دالان آبرو)
 ۲۷ - لوله سنگى (جهت ايمنى آسياب)
 ۲۸ - ديواره سنگى وسط هرز آب (جهت ايمنى آسياب)
 ۲۹ - درب ورود به زير آب
 ۱۴ - پايه
 ۱۵ - سوراخهاى پايه (محل قرار گرفتن گوه)
 ۱۶ - كف پاچال
 ۱۷ - زير آب، (زيركوه، زيرخان) همراه با ديوارهاى سنگ چين شده
 ۱۸ - ميله بالائى (سرميله)
 ۱۹ - كوم
 ۲۰ - چرخ پره و پرهاى آن
 ۲۱ - ميله پائينى (ته ميله)
 ۲۲ - گؤگؤشه
 ۲۳ - عقربه
 ۲۴ - سنگ مهره
 ۲۵ - تخته ماله

آرتیلان:

حوضچه‌ای است که مقابل و زیر لبه سنگهای آسیاب ساخته شده تا هنگامی که گندم آرد می‌شود از دهانه بین دو سنگ وارد آن شود. آرتیلان حدود ۶۰ کیلو آرد می‌گیرد.

سنگ سر:

که به سنگ "رو" نیز معروف است، بر روی سنگ زیر گردش می‌کند.

سنگ زیر:

سنگ "زیر" ثابت است و هیچگونه حرکتی ندارد (از این دو سنگ، تشبیهات بسیاری در ادبیات فارسی شده است).^{۳*}

چوب گولو:

چوبی است حدود ۲ متر که جهت بلندکردن و جابجا نمودن سنگ آسیاب در هنگام تعویض و یا تیز کردن آن به کار می‌رود.

تندوره:

همان تنوره آسیاب و گودالی استوانه‌ای شکل است، که به طرف پائین باریک می‌شود و عمق آن حدود ۹ تا ۱۰ متر است. دیواره‌های سطح "تندوره" با گل آهک که به آن "چرو" یا گل حرامزاده نیز می‌گویند، اندود شده است.

*. بگرد بر سرم ای آسیاب دور زمان
بهرجفا که توانی که سنگ زیریم
(سعدی)

چرو:

چرو یا "گل حرامزاده" مخلوطی است از خاک و آهک، که به دیواره‌های تندروه کشیده می‌شود این مخلوط از رطوبی شدن دیواره‌های آسیاب جلوگیری می‌کند.

اق:

یک تنه بزرگ از درخت است، که داخل آنرا درآورده‌اند و به صورت یک ناودان زرگ درآمده که آب را از جوی اصلی بطرف پره سرریز می‌کند قسمت روی ناق را خوب می‌پوشانند و یا تخته کوبی می‌کنند. یک سر ناق به جوی اصلی و سر دیگر آن به کوم "آسیاب وصل است این گونه آسیابها را "آسیاب ناقی" می‌گویند.

نوم:

تنه درختی است به اندازه نیم تا یک متر که درون آن خالی شده و در قسمت پائین نوره یا ناق کار گذاشته می‌شود. "کوم" آب را از تنوره وارد زیرآب می‌کند تا در اثر برخورد با "چرخ پره" سبب چرخش آن شود. برای آنکه آب با فشار و قدرت بیشتری سرخ پره را به گردش درآورده، دور دهانه "کوم" را با نواری لاستیکی می‌کنند.

تمبره:

در بعضی از کومها بجای نوار لاستیکی از شاخه‌های نرم و باریک با نام "چمبره" استفاده می‌شود، در داخل دهانه "کوم" لبه‌ای است، که "چمبره" را نگه می‌دارد.

سرخ پره:

مخروطی ناقصی است که از چوب تراشیده شده و در وسط آن سوراخهایی برای ناگذاری پرها تعبیه شده است. "چرخ پره" حدود یک متر قطر دارد و دورتادور آن بدود ۲۰ تا ۲۴ "پره" چوبی (حدود ۴۰ سانت) قرار دارد. به منظور محکم قرارگرفتن

"پره‌ها" و ثابت ماندن آنها به هنگام گردش، در میانشان چوب‌های ۳۰ سانتی کار گذاشته می‌شود که به "میان پره" معروف است.

آب پخش‌کن :

یکی دیگر از اجزاء "چرخ پره" "آب پخش‌کن" است که در قسمت بالای پره‌ها به شکل تک پره‌ای دیده می‌شود. اندازه آن حدود ۴۰ تا ۵۰ سانت است. کار "آب پخش‌کن" پاشیدن آب به سطح تحتانی "سنگ زیر" است تا در اصطکاک با "سنگ رو" داخل نشود و باعث سوزاندن آرد نگردد.

زیرخان یا زیرکوره :

همان "زیرآب" است که در قسمت زیر آسیاب، فضائی به اندازه 2×2 متر قرار دارد بطوری که آب از "کوم" وارد آن می‌شود و از قسمت باریکتری که به شکل نهری سرپوشیده است خارج می‌گردد. در "زیرآب" علاوه بر "چرخ پره"، "تخته ماله" و "پایه نیز قرار دارد.

تخته ماله :

تخته‌ای چوبی است، که در کف "زیر آب" محکم شده است، یک سر آن آزاد به فاصله چند سانت با کف فاصله دارد، وسط "تخته ماله" سوراخ و "سنگ مهره" در آن قرار دارد، از سر دیگر آن نیز "پایه" گذشته و به وسیله "گوگوشه" محکم شده است.

سنگ مهره :

سنگی است سخت که دارای رنگ سیاه و مایل به قرمز است. به گفته آسیابانها؛ محل، هیچ سنگی به جز "سنگ مهره" یارای نگهداری سنگ و چرخ را ندارد. در سختی این سنگ معتقدند که با این سنگ بوده که دندان حضرت پیامبر را شکسته‌اند. او ایب

سنگ را نفرین کرده تا همیشه "میله آسیاب" بر روی آن بگردد.

عقربه :

پره‌ای است فلزی، با سرهای برگشته که از وسط آن "ته میله" می‌گذرد، کار "عقربه" ثابت نگه داشتن "سنگ مهره" و "ته میله" در جای خود است که به "تخته ماله" کوبیده شده است.

سنگ تیغه :

"سنگ تیغه"، سبکترین سنگ آسیاب است، که حدود ۷۰ تا ۸۰ کیلو وزن دارد، این سنگ در تابستان که آب کم است به کار گرفته می‌شود.

سنگ قرص :

سنگین‌ترین سنگ آسیاب است، که حدود ۳۰۰ کیلو وزن دارد و در آسیابهای دائم گرد و همیشگی، و در "زمستان گرد"، هنگامی که فشار آب زیاد است انداخته می‌شود.

گُوگوشه :

هنگامی که پایه "از سوراخ" تخته ماله می‌گذرد، بوسیله یک میله آهنی به این نام در جای خود ثابت می‌ماند.

ته میله و سرمیله :

"ته میله" و "سرمیله" که هرکدام یک قسمت برآمده صفحه‌ای شکل (به شکل لبه تبر) دارند در زیر و بالای "چرخ پره" کوبیده شده‌اند. "ته میله" بر روی سنگ مهره می‌گردد و "سرمیله" از قسمت بالای "چرخ پره" از دهانه سنگ زیر که به آن "گله"

می‌گویند می‌گذرد و در سوراخ سنگ سر محکم می‌شود. با چرخش "چرخ پره" میله‌ها نیز می‌گردد و باعث گردش سنگ سر می‌شود. محکم شدن سر میله با بستن پارچه‌ای که به "تخته گیوه محلاتی" معروف است انجام می‌شود این پارچه از ریزش گندم به داخل "زیرآب" جلوگیری و با رطوبتی که جذب می‌کند "میله" را خنک نگه‌میدارد.

تبره:

قسمت زیر "سنگ سر" فرورفتگی مستطیل شکلی خالی شده است که "تبره" در آن قرار می‌گیرد. "تبره" ورقه فلزی ضخیم، در وسط سوراخی است که سر میله از آن می‌گذرد.

گله:

به دهنه سوراخهای سنگ زیر و رو گفته می‌شود.

کؤل:

پوست گوسفند لوله شده‌ای است که با آن آرد را می‌برند و عقیده دارند اگر پارچه‌ای باشد ممکن است خاک داشته باشد و اگر خاک وارد آرد شود، بی‌احترامی به آرد است. (در واقع بجای پارو از این وسیله استفاده می‌کنند)

کبیل:

یک تکه پوست بره است که با آن سنگ آسیاب را تمیز می‌کنند و این پوست حتماً باید پوست بره ۱ ساله باشد، که پشم با آرد مخلوط نگردهد.

کیله :

وسیله‌ای است که آسیابان با آن مزدش را حساب می‌کند. کیله ممکن است چوبی یا فلزی باشد.

بوق :

وسیله‌ای است از شاخ گوزن که دو طرفش سوراخ است و برای خبرکردن مردم به هنگامی که آسیاب بار ندارد، در آن می‌دمند، صدای بوق در هوای خنک تا ۸ کیلومتر و در تابستان تا ۳ کیلومتر می‌رسد. معمولاً بعد از به صدا درآوردن بوق، آسیابان با صدای بلند نیز مردم را از بی‌باری آسیاب خبر می‌کند.

قاشقه :

پاروئی است کوچک برای خالی کردن آرد از آرتیلان.

لوئینه :

نامی است برای آسیابان در ناحیه کمره.

حمونه :

کیسه‌ای است از پوست گاو یا گوسفند که آن را به یکدیگر دوخته‌اند و جهت حمل گندم و جو، از آن استفاده می‌کنند.

هرز آب :

جوی فرعی است که از زیرآب به طول ۲ تا ۳ متر به سمت بیرون کشیده شده است.

آسیو:

آسیاب در گویشی محلی.

چاروادار:

کسانی که بوسیله الاغ گندم و آرد را حمل می‌کرده‌اند.

چاق:

تیز بودن سنگ آسیاب.

کُل:

کند بودن سنگ آسیاب.

چراغ موشی:

سقف و دیواره‌های داخل اکثر آسیاب‌ها سیاه است و این بخاطر استفاده از نور و روشنایی چراغ موشی است. این وسیله روشنایی، بسیار ساده است. یک قوطی فلزی چهارگوش با برآمدگی کوچکی، که در وسط آن لوله باریک کار گذاشته و از داخل آن فتیله‌ای از جنس پنبه، که با روغن کرچک مشتعل می‌شود و با دود سیاه غلیظ خود، فضا و دیوارهای آسیاب را می‌پوشاند. این چراغ با دسته میله شکل بلندی به اندازه ۳۰ سانتیمتر در سوراخ دیوار کار گذاشته می‌شود. بخصوص هنگامی که در شب بارگندمی با الاغ آورده می‌شود. برای روشنی درون انبار این میله در جلوی پالان الاغ کار گذاشته می‌شود.

سیستم امنیتی ساختمان آسیابها:

آب پس از برخورد با چرخ پره در زیر کوره بوسیله دالانی یا نهر سرپوشیده‌ای به ارتفاع ۱/۵ متر از زیر ساختمان آسیاب به خارج هدایت می‌شود. به همین خاطر وقتی آسیاب با نبودن آب از کار باز می‌ماند، ورود به داخل آن از همین دالان یا نهر سرپوشیده امکان‌پذیر است. برای جلوگیری و سد کردن راه افراد و حیوانات وسط دالان آب بوسیله دیوار سنگی بسته می‌شود و آب تنها از مجرای لوله‌های سنگی به طول ۱ متر (جنس این لوله از سنگ است که به طرز ماهرانه‌ای درون آن خالی شده و به شکل لوله‌های سیمانی امروزی است) عبور می‌کند و بعد از آن در ادامه همان دالان (آبرو) خارج می‌شود. این عمل در اصل ایجاد نوعی سیستم دفاعی از شر حیوانات و افراد شرور و امنیت خاطر آسیابان است مهمتر از آن، بسیاری دیگر از آسیابها که از موقعیت و اهمیت بیشتری برخوردار بوده‌اند، دارای برجهای نگهبانی عظیمی بوده که در یک سوی ساختمان آسیاب ساخته می‌شده و افرادی مسلح جهت پاسداری از آن اجیر می‌شده‌اند.

چند نمونه از ضرب‌المثل‌های معروف در ناحیه (کمره):

- جن به لوئینه میخندد، لوئینه به آسیابان.
- آسیوبان از گرسنگی مُرد - گفتند داغ فطیر روی دلش مانده است.
- این آسیو خرابه مگر چندتا لوئینه می‌خواه.
- هفت سال آسیوبانی برابر یکسال حمومی است (چون معتقدند که اگر کسی شغل حمومی را برگزیند پیش خدا اجر بسیار می‌برد).
- آب می‌آید و آرد می‌آورد.
- آسیوش تند است.
- چراغ کوره، آسیو به گردش.
- آدم دانا باید سنگ زیرین آسیاب باشد.
- نه نون گندم خورده، و نه چغچغه آسیاب دیده.

- قربان دل سوخته‌ات آسیابان، تا وقتی بار داری آب نداری. وقتی آب داری بار نداری.

نازی نامی آشنا برای اهالی کمره :

نازی بخاطر آسیابهایش برای تمامی اهالی (کمره) و حتی مناطق اطراف نامی آشناست. نازی یکی از روستاهای دهستان حمزه‌لو و در هشت کیلومتری شمال خمین واقع است. از ویژگی‌های این روستا وجود ۹ آسیاب دائم در گردش است که ۸ آسیاب به آب چشمه "یوجان" و یک آسیاب از چشمه "نازی"*** بگردش بوده است. آب این دو چشمه که به فاصله ۲۰ متر از یکدیگر از لای سنگ بیرون می‌ریزد حدود ۲۴ تا ۳۰ اینچ است. آب فراوان و دائمی این دو چشمه سبب گردیده تا در گذشته در هر شبانه‌روز حدود ۲ تن تولید آرد این آسیابها باشد. آسیابها در محل هرکدام به نامی معروف است و این نامها در اسناد رسمی و قراردادهای محلی در هنگام خرید و فروش و اجاره نیز قید می‌شده است (اسناد ضمیمه). نام این آسیابها از صاحبان اولیه آنها یا ویژگیهای اقلیمی اطراف آنها گرفته شده است. مثلاً آسیاب "پاچغا" که "چغا" بمعنی تپه است و آسیا "سرخ" و آسیا "سفید" که خاک اطراف آنها سرخ رنگ و سفید رنگ است و یا آسیا "امیری" که صاحب اولیه آن "امیرمفخم بختیاری" و بالاخره "آسیانو" که آخرین آسیابی بوده که ساخته شده است.***

#: مردم "نازی" و "یوجان" این دو چشمه را مقدس میدانند و عقیده دارند که این دو آب نظر کرده امیرالمومنین (ع) است. همچنین "نازی" رازن و "یوجان" را "مرد" میدانند. آنها از گذشتگان خود نقل میکنند: "شخصی خواست دهانه چشمه را ببندد که آب چشمه‌ها "خون" شد. در اطراف این دو چشمه نیز علفی شبیه به "نخل" می‌روید که در تابستان و زمستان سبز است که این علف را نیز نشانه "نظر" آن حضرت میدانند. به همین خاطر هر ساله در اوایل تابستان هرکسی نذری داشته باشد برای ادا شدن آن گوسفندی را قربانی میکند. همچنین بعد از پایان "جوب روبی" مردمان این ده در یک روز تعیین شده بخاطر وجود آب این چشمه که باعث رونق کشت و کار هر ساله آنها میشود تا چند گوسفند قربانی میکنند و از صبح تا بعد از ظهر با اهل خانه در آنجا میمانند. #: در پایان لازم است از آقای دکتر مرتضی فرهادی که بدون راهنمایی‌های ایشان راه بجائی نمی‌بردم و آقای مهرداد نوربخش (عضو هیئت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی آشتیان) و هم چنین از ادامه در صفحه بعد

منابع

- الاصفهانی، محمد مهدی بن محمدرضا. نصف جهان فی تعریف الاصفهان. به تصحیح و تهیه منوچهر ستوده. تهران، ۱۳۶۸. انتشارات امیرکبیر.
- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم. آسیای هفت سنگ. تهران، ۱۳۶۲. انتشارات دانش.
- پطروشفسکی، کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران. ترجمه کریم کشاورز. تهران، ۱۳۵۵. انتشارات نیل.
- دهخدا، علی اکبر. لغت نامه دهخدا.
- عمید، حسن. فرهنگ فارسی عمید. تهران، ۱۳۶۳. انتشارات امیرکبیر.
- فرشاد، مهدی. تاریخ علم در ایران. تهران، ۱۳۶۶. انتشارات امیرکبیر.
- فرهادی، مرتضی. در فصلهای خنده دشوار (مجموعه شعر). تهران، ۱۳۵۷. انتشارات شب شکن.
- فرهادی، مرتضی. «ماشین های آبی ...». ماهنامه جهاد. ش ۱۲۱ (مهر ۱۳۶۸).
- فرهادی، مرتضی. نامه کمره. تهران، ۱۳۶۹. انتشارات امیرکبیر.
- مستوفی، حمدالله. نزهت القلوب. به اهتمام تصحیح گای لیسترانج. (دی ماه ۱۳۶۸).
- هونگه، زیگرید. فرهنگ اسلام در اروپا. ترجمه مرتضی رهبانی. تهران، ۱۳۶۰. دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

ادامه از صفحه قبل آقابان اسماعیل مهدوی و اسلامی آسیابداران روستای نازی و حشمتیه شهرستان خمین و روح اله عقیلی آسیابدار شهرستان آشتیان و کلیه عزیزان روستائی روستائیان کمره که از هیچ گونه کمک دربع نورزیدند و بالاخره از آقای بهروز رضائی بخاطر کمکهای مالی فراوانش در طول تحقیق و آقای فرهاد رضائی که با دقت و حوصله فراوان زحمت طرحها و نقاشی آسیابها را متحمل شد و نیز آقای حاج احمد مشایخی، رحمان کلیانی و یعقوبعلی قزلباغ صمیمانه تشکر و قدردانی نمایم.